



بسم الله الرحمن الرحيم

درس: خارج فقه پزشکی

جلسه: ۱۳

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳

موضوع: بررسی حجیت قول خبره و شرائط حجیت آن

استاد: محمد قاضی حفظه الله

الحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين و لعنة الله علی اعدائهم الی يوم الدين

خلاصه جلسه قبل: بحث ما در اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی به نقطه مهمی رسید و آن بحث در مبنای حکم در این مسئله است و یکی از مبانی در این مسئله «قول خبر» است. یکی از قواعد مهم فقه و تطبیق آن بر ما نحن فیه، قول خبر است. همانطور که مسئله حجیت خبر واحد مسئله اصولیه است، همانطور مسئله قول خبر مسئله فقهیه است و این قاعده، سیال در فقه است.

منقح کردن موضوع مسئله اعتبار قول خبر

قاعده قول خبر بطور منقح مطرح نشده است و باید از کلمات مختلف در مسائل مختلف که به مناسبت این قاعده مطرح شده است، نظرات بزرگان تحصیل شود.

مسئله قول خبر از دو حیث بحث می شود: ۱. آیا قول خبره معتبر است یا نه؟ ۲. اگر قول خبره معتبر است، شرائط اعتبار آن چیست؟ آیا اعتبار قول خبره منوط به حصول وثوق است؟ در موارد متعددی از کلمات بزرگان تصریح شده به اینکه حجیت قول خبره منوط به وثوق است.

بحث دیگر این است که اگر اعتبار قول خبره منوط به حصول وثوق نباشد آیا منوط به شرائط حجیت قول بینه است یا نه؟ شرائط بینه عبارت اند از: ۱. ذکورت، و عبرتی به قول غیر ذکور نیست ۲. عدالت، و عبرتی به قول تقه نیست تا مادامی که عادل نباشد ۳. تعدد، و اعتباری به قول رجل عدل واحد نیست.

کلامی از مرحوم شهید در دروس را نقل کردیم که ظاهر آن کلام شاید مفروغیت اعتبار شروط بینه در قول خبره بود. استظهار اولیه مرحوم شیخ اعظم^۱ هم در مسئله مقوم همین بود. لذا بحث در قول خبره تاراً در اصل اعتبار است و اخیری در شرائط آن است.

بررسی فرمایش مرحوم شیخ انصاری در اعتبار قول خبره

کلامی از مرحوم شیخ انصاری در این زمینه نقل شد که در صدر آن استظهار شده بود که شروط بینه، هم در اخبار حسی و هم در اخبار حدسی معتبر است. مرحوم شیخ در ادامه احتمالی را مطرح کردند که شروط اعتبار بینه، در خبر حدسی معتبر نباشد. جدای از اینکه مرحوم شیخ این احتمال را رد نکرد و به آن اعتنا کرد، مطلبی از این عبارت در آمد و آن اینکه کانه شروط اعتبار قبول و بینه در خبر حسی مورد تسالم است و آنچه که مورد تردید است، تسری این شروط به خبر حدسی است. چون احتمالی را که ایشان در مقابل

۱. عبارت مرحوم شیخ انصاری: «مسألة يعرف الأرض بمعرفة قيمتي الصحيح والمعيب - ليعرف التفاوت بينهما فيؤخذ من البائع بنسبة ذلك التفاوت و إذا لم تكن القيمة معلومة فلا بد من الرجوع إلى العارف بها و هو قد يخبر عن القيمة المتعارفة المعلومة المضبوطة عند أهل البلد أو أهل الخبرة منهم لهذا المبيع المعين أو لمثله في الصفات المقصودة كمن يخبر بأن هذه الحنطة أو مثلها يباع في السوق بكذا و هذا داخل في الشهادة يعتبر فيها جميع ما يعتبر في الشهادة على سائر المحسوسات من العدالة و الإخبار عن الحس و التعدد و قد يخبر عن نظره و حدسه من جهة كثرة ممارسته أشباه هذا الشيء و إن لم يتفق اطلاعه على مقدار رغبة الناس في أمثاله و هذا يحتاج إلى الصفات السابقة و زيادة المعرفة و الخبرة بهذا الجنس و يقال له بهذا الاعتبار أهل الخبرة. و قد يخبر عن قيمته باعتبار خصوصيات في المبيع يعرفها هذا المخبر مع كون قيمته على تقدير العلم بالخصوصيات واضحة كالصائغ العارف بأصناف الذهب و الفضة من حيث الجودة و الرداءة مع كون قيمة الجيد و الرديء محفوظة عند الناس معروفة بينهم فقول هذا قيمته كذا يريد به أنه من جنس قيمته كذا و هذا في الحقيقة لا يدخل في المقوم و كذا القسم الأول فمرادهم بالمقوم هو الثاني لكن الأظهر عدم التفرقة بين الأقسام من حيث اعتبار شروط القبول و إن احتمل في غير الأول الاكتفاء بالواحد» كتاب المكاسب (للشيخ الأنصاري، ط - القديمة)؛ ج ۲، ص: ۵۰۸.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۳

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی حجیت قول خبره و شرائط حجیت آن

استاد: محمد قاضی حفظه الله

استظهار مطرح کردند این بود که: «لكن الأظهر عدم التفرقة بين الأقسام من حيث اعتبار شروط القبول و إن احتمل في غير الأول الاكتفاء بالواحد» یعنی در اول که خبر حسی باشد اصلاً مجالی برای احتمال اکتفا به واحد نیست. برخی از بزرگان مانند مرحوم سید یزدی، محقق خویی، مرحوم امام و برخی بزرگان دیگر به کلام شیخ اشکال کرده اند و فرموده اند در اول هم همین است و احتمال دارد در خبر حسی هم اکتفا به واحد شود. یعنی در اخبار مبتنی بر حس هم احتمال دارد شروط معتبر نباشد.

فرمایش مرحوم سید یزدی در ذیل کلام شیخ انصاری

از عبارت مرحوم سید یزدی^۱ در حاشیه بر مکاسب بر می آید که این احتمال، احتمال منسوب به دیگران نیست کانه مرحوم شیخ می خواهد بفرماید من احتمال می دهم. مرحوم سید می فرماید «أقول بل يمكن في الأول أيضا كفاية الواحد» یعنی مرحوم سید یزدی حتی در اخبار مبتنی بر حس، می گویند احتمال دارد شروط بینه معتبر نباشد. لذا بعید نیست این کلام مرحوم سید حاکی از فهم ایشان از کلام مرحوم شیخ باشد. از عبارت مرحوم شهید بر می آید اعتبار شروط یک امری است که تسالم بر آن وجود دارد و وقتی مرحوم شیخ پای احتمال را وسط می کشد یعنی مطمئن باشید که مسئله اجماعی نیست چون مرحوم شیخ به اجماعات و شهرات خیلی مبتنی است فقه مبتنی بر این است که علاوه بر اجماعات تعبدی بلکه با شهرات تعبدی هم نباید مخالفت شود. بعد از اینکه استظهار اولیه شیخ این بود که شروط معتبر است چه در خبر حسی و چه در خبر حدسی، هنر ایشان این بود که در اخبار حدسی از حیت عدم اشتراط شروط فتح باب احتمال را کردند و مرحوم سید این فتح باب را ادامه داد و حتی در اخبار حسی هم احتمال عدم اعتبار شروط را مطرح کردند. لذا بعدی ها هم جرأت پیدا کردند و نوبت به معاصرین که رسید بعضی تصریح کردند که معتبر نیست. و همان نکته ای که در کلام شیخ است متأخرین همان نکته را دنبال کرده اند.

بررسی دلالت آیه نبأ بر اعتبار قول خبر عادل

مطلبی که از استدلال مرحوم شیخ بر عدم اعتبار شروط بینه در اخبار حدسی بر آمد، امری بود که مورد اشکال واقع شد و آن این بود که مرحوم شیخ می خواهد به اطلاعات ادله حجیت خبر واحد یا خبر عدل استدلال کند. و کانه این مشیر به این است که ادله ای که در اصول به عنوان ادله خبر واحد و عدل واحد مطرح است، شامل خبر حدسی هم می شود و در آن ادله حس نیامده است. در حالی که ملاک دو مسئله مختلف است و اینها دو ماهیت هستند و معنا ندارد به دلیل واحد برای حکم دو مسئله استناد شود. یکی بحث خبر حسی است و دیگری خبر حدسی است.

اینطور نیست که دلیل حجیت خبر، ناظر به حجیت خبر علی الاطلاق باشد چون اگر علی الاطلاق باشد اطلاق رفض القیود است نه جمع القیود، حجیت علی الاطلاق به این معناست که خبر حجت است و شیء دیگری مدخلیت ندارد و نتیجه آن این است که حسی

۱. «عبارت مرحوم سید یزدی: قوله و إن احتمل في غير الأول إلخ

أقول بل يمكن في الأول أيضا كفاية الواحد لمنع كونه في باب الشهادة إذ التحقيق أن لا فرق بين الخبر و الشهادة إلّا باعتبار التعدد و عدمه فكل مورد يعتبر فيه التعدد فهو من باب الشهادة لا أن يكون الفرق بينهما بكونه إخباراً في موضوع شخصي عن حس و غيره كما يظهر من المصنف قدس سره بمعنى أن كل ما كان من هذا القبيل يعتبر فيه التعدد لأنه شهادة و الحاصل أنه يظهر الفرق بين الخبر و الشهادة من حيث هما و أن بعض الموارد من قبيل هذا و بعضها من قبيل ذاك و يكون اشتراط التعدد بعد معلومية كونه داخلاً في موضوع الشهادة و التحقيق خلاف ذلك و أن كل مورد يعتبر فيه التعدد فهو شهادة و إلّا فلا فرق بينهما بحسب المورد و كيفية الأخبار و غير ذلك و تمام الكلام في مقام آخر و الحق أن مقتضى الأصل كفاية الواحد في كل مقام خرج ما خرج و ذلك لعدم ما دلّ على حجية خبر العادل حتى في الموضوعات فتدبر» حاشية المكاسب (لليزدي)؛ ج ۲، ص: ۱۰۳.



بسم الله الرحمن الرحيم

درس: خارج فقه پزشکی

جلسه: ۱۳

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳

موضوع: بررسی حجیت قول خبره و شرائط حجیت آن

استاد: محمد قاضی حفظه الله

بودن نفیاً و اثباتاً مدخلیتی ندارد چون خبر حدسی هم خبر است اطلاق دلیل حجیت خبر شامل آن هم می شود، در حالی که در حدسیات، حجیت به ملاک اخبار نیست، بلکه به ملاک اخبار حدسی است یعنی حیثیت حدسی بودن موضوعیت دارد و اعتبار خبر در مورد حدسی به ملاک ذات خبر نیست. بلکه به ملاک خبر حدسی است. اطلاق رفض القیود است و معنای تمسک به ادله حجیت خبر این است که اخبار حجت است و خصوصیت حدسی بودن مانع نیست. یعنی خصوصیت حدسی بودن مانع ایجاد نمی کند چون خبر در آنجا هم صدق می کند یعنی نه مانع است و نه مؤثر، چون اطلاق رفض القیود است و حدسی بودن نفیاً و اثباتاً دخیلی در اعتبار خبر ندارد. در حالی که در خبر حدسی به موضوعیت حدسی خبر معتبر است رفض القیدی نیست، دخل القیدی است، خبر به وصف حدسیت معتبر است. چون خود مرحوم شیخ به این توجه دارد و می فرماید: «و هذا یشتمل علی الصفات السابقة و زیاده المعرفة» حیثیت خبره بودن است که حیثیت معرفت را می طلبد و مرحوم شیخ تعبیر می کنند «و الخبره بهذا الجنس و یقال له بهذا الاعتبار أهل الخبره».

آنچه که ما در اصول خواندیم مفاد ادله حجیت خبر این نیست که حجیت برای چیزی باشد که خبر شامل آن بشود. بلکه جدای از سیره بر حجیت خبر حسی، یک سیره هم اینجا داریم بر حجیت خبر حدسی، اما اینها دو دلیل است، درست است که هر دو در ماهیت سیره بودن مشترک هستند اما یک سیره واحدی نیست که در هر دو جاری باشد.

قول حسی یک دلیل جدا دارد اینکه مخبر عادل باشد یا نباشد معتبر نیست و دلیل (سیره و ادله لفظی) اطلاق دارند و می گوید خبر حسی حجت است چه مخبر عادل باشد و چه نباشد ملاک وثاقت است در مقابل اینکه بگوییم مخبر باید عادل باشد. و اگر گفتیم مطلق خبر حجت است اعم از فاسق و عادل، به این دلیل است که ملاک یک چیز است و آن یک چیز، ساری است. اما در خبر حسی و خبر حدسی، سریان دلیل واحد نداریم بلکه هر کدام دلیل جداگانه ای دارند و یک سیره در خبر حسی وجود دارد و یک سیره در خبر حدسی وجود دارد. ممکن است در خبر حسی سیره پذیرفته شود و در خبر حدسی پذیرفته نشود.

آنچه گفته شد از ناحیه دلیل لَبّی بود، اجماع و شهرت هم از این قبیل است. لذا ممکن است گفته شود در خبر حسی تعدد معتبر است و در خبر حدسی تعدد معتبر نیست. این همان احتمالی است که در کلام شیخ اعظم مطرح شد که شروط (ذکورت، عدالت، تعدد) در خبر حسی معتبر باشند ولی احتمال دارد در خبر حدسی معتبر نباشند. پس معلوم می شود اینها هر کدام حساب جدایی دارند.

اما سوال از شیخ اعظم این است که کدامیک از ادله لفظی حجیت خبر شامل خبر حدسی می شد؟ آیا آیه مبارکه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَیَّنُوا أَنْ تُصِیبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» شامل خبر حدسی می شود؟ مرحوم شیخ می خواستند به مفهوم وصف این آیه استناد کنند برای حجیت خبر عادل، آیا از آیه استفاده می شود که خبر خبیر عادل هم حجت است؟ ما سراغ نداریم که یک اصولی این حرف را زده باشد و اگر هم زده باشد حرف ناصحیحی است چون حجیت خبر به دلالت این آیه، مبتنی بر مفهوم وصف است نه مفهوم شرط، مرحوم آخوند خواسته اند دلالت آیه را به مفهوم شرط برگردانند اما مورد اشکال است و حق این است که دلالت آیه به مفهوم وصف است. چون مفهوم شرط اصطلاحی این است که باید شرط معتمد بر موضوعی باشد و لذا مرحوم آخوند بحث را پیچانده و فرموده «الخبر ان کان الجائی به فاسقا» باید تبیین بشود و خبر را از نزد خودشان اضافه کرده اند و فرموده اند متفاهم عرفی باید اینطور باشد. در حالی که اینطور نیست و این مثل «ان رزقت ولدا فاختنه» می باشد.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۳

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی حجیت قول خبره و شرائط حجیت آن

استاد: محمد قائمی حفظه الله

مثلا در «ان جائك زيد راکبا فاکرمه» این جمله که مفهوم شرط ندارد بلکه نهایتا مفهوم وصف است. و آلا اگر این وصف هم در جمله نبود مثل «ان رزقت ولدا فاختنه» می شد و مصوغ برای تحقق موضوعی بود و غایت «ان رزقت ولدا فاختنه» این است که تقوم موضوع به آن خصوصیت، عقلی است و در «ان جائك زيد فاکرمه» تقوم موضوع به آن خصوصیت، قراردادی است چون ملاک در قضیه شرطیه و این است که ادوات شرط متأخر از موضوع قرار بگیرد و در آیه مبارکه اینطور نیست لذا مفهوم وصف است نه مفهوم شرط.

آیه مبارکه اگر بخواهد با دلالت وصفیه دلالت کند بر اعتبار خبر عادل، آیا آیه اطلاق دارد؟ و شامل خبر حدسی هم می شود؟ دلالت وصف به ملاک لغویت است نه دلالت ظهور. آیا اگر آیه بخواهد دلالت کند بر اینکه خبر عادل فی الجمله حجت است، حتما شامل خبر خبر عادل هم می شود؟ قدر متیقن از آیه نهایتا خبر عادل در حسیات است لذا این آیه چه دلالتی بر اعتبار خبر خبر عادل دارد؟

بررسی دلالت روایت «الْعَمْرِي وَ ابْنُهُ ثِقَتَانِ» بر اعتبار قول خبر

روایت «الْعَمْرِي وَ ابْنُهُ ثِقَتَانِ فَمَا أَدْيَا إِلَيْكَ عَنِّي يُؤَدِّيَانِ»^۱ اصلا مصوغ برای حجیت خبر نیست هرچند حجیت خبر از آن استفاده می شود. این روایت مصوغ برای بیان صغری در قضیه حجیت قول ثقة است روایت می فرماید العمري و فرزندش ثقه هستند اما اینکه قول ثقة در کجا حجت است؟ در خبر حسی حجت است یا در خبر حدسی؟ روایت اطلاقی ندارد که برای اعتبار خبر حدسی به آن تمسک شود.

لذا ادله حجیت خبر واحد، عموم و اطلاقی ندارند که بتواند حجیت قول خبر را ثابت کند استاد معظم فرمودند که بنده ندیدم معلقین بر مکاسب چنین اشکالی به مرحوم شیخ بکنند که ما چنین عموم و اطلاقی ندارم. بله برخی بزرگان می فرمایند بنای عقلا و سیره بر اعتبار قول خبره وجود دارد اما این که تمسک به اطلاق و عموم نمی باشد بلکه تمسک به یک دلیل مستقل است سیره هم در حسیات وجود دارد و هم در حدسیات.

لذا عرض شد که این بحث خیلی مهم است و نیاز به تحقیق و دنبال کردن دارد به حسب کلمات بزرگان و به حسب ادله. در ادامه خواهیم دید که دست ما در تمسک به ادله لفظیه برای اعتبار قول خبر می لغزد. از این باب است که جلّ بزرگان به سیره استناد کرده اند. کسانی که خواسته اند بگویند قول اهل خبره حجت است و مشروط به شروط بینه نمی باشد، عمده دلیل آنها تمسک به سیره است. هرچند از برخی تعبیرات آنها بر می آید که دلیل لفظی وافی در مسئله هم داریم.

ما قول مرحوم شیخ را بیان کردیم که بیان گر این بود که اعتبار خبر در حسیات مشروط به شرائط است و بر می آمد که این مورد تسالم بین اصحاب است اما مرحوم سید یزدی احتمال عدم مشروط بودن آن را مطرح کردند. کلام شیخ انصاری در اینجا، باعث هدم آنچه که ما در مسئله قبل گفتیم، می شود. ما در مسئله قبل گفتیم که مقتضای قاعده، حجیت خبر عدل واحد است (عدل به معنای ثقة است یعنی عدل در قول نه عدل در عمل) ما در جلسات قبل به این نتیجه رسیدیم و تلاش کردیم به ادله ای که حجیت بینه را مشروط می کرد جواب دهیم و اینکه ادله اعتبار تعدد قدحی در این مطلب ما ایجاد نمی کند و به موارد نقض جواب دادیم. این کلام شیخ می گوید در امور حسی تعدد معتبر است و اگر احتمال عدم شرط بودن تعدد وجود دارد این احتمال در امور حدسی است نه در امور حسی.

در اینجا عده ای از بزرگان تصریح کرده اند که در امور حسی هم شروط قبول (تعدد، عدالت و غیر ایندو) معتبر نیست. بنابراین بحث ما

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ؛ ج ۱ ؛ ص ۳۳۰.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۳

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی حجیت قول خبره و شرائط حجیت آن

استاد: محمد قائمی حفظه الله

در دو مقطع واقع می شود یکی بحث از اصل اعتبار خبر در حدسیات است و دیگری بحث از شروط اعتبار است. فرمایش مرحوم سید یزدی این است که اصل در خبر عدم اعتبار تعدد است آلا ما خرج بالدلیل، و ما خرج بالدلیل عمدتاً باب قضا و مرافعات است.

سؤال این است که مراد از این اصل چیست؟ آیا مراد اطلاق و عموم است؟ ما در مقام اصلاً اطلاق و عمومی نداریم. عبارت مرحوم سید یزدی این است که: «أقول بل يمكن في الأول أيضاً كفاية الواحد لمنع كونه في باب الشهادة» در قسم اول هم از باب شهادت نیست که اگر از باب شهادت باشد تعدد و عدالت و امور دیگر در آن معتبر است. تا اینکه ایشان می رسد به اینجا و می فرماید «و الحق أن مقتضى الأصل كفاية الواحد في كل مقام خرج ما خرج و ذلك لعموم ما دل على حجية خبر العادل حتى في الموضوعات فتدبر» خبر واحد در موضوعات حجت است و عموم دارد هم شامل حسی می شود و هم شامل حدسی. مرحوم سید کدام عموم را می فرماید؟ اگر مراد ادله حجیت خبر واحد است، گفته شد که آنها عمومی ندارند. چه دلیلی وجود دارد بر اعتبار خبر عادل در موضوعات، تا اینکه گفته شود شامل خبر حدسی هم می شود. دلیلی که در موضوعات مطرح می شود عمده دلیل حجیت خبر واحد است و دلیل حجیت خبر واحد مربوط به حدسیات نمی باشد و مربوط به حسیات است و کجای این دلیل عموم دارد؟

این یک مشکل جدی است و کانه آقایان می خواهند بگویند ادله لفظیه حجیت خبر در موضوعات، شامل خبر حدسی هم می شود. اگر ادله حجیت خبر در موضوعات، مثل ادله بینیه باشد، معنای بینیه خبر واحد نیست و به معنای تعدد با شرائط است.

دلیل دیگر بر حجیت خبر در موضوعات سیره است و سیره عمومی ندارد بلکه سیره در هر مسئله ای حساب جدایی دارد. و دلیل دیگر نصوصی است که متضمن اعتبار خبر در موضوعات است اما در آنها به اعتبار خبر در امور حسی، حجت دانسته شده است. مثلاً یکی از آن دلیل ها مربوط به اخبار در جبن بود اما اطلاقی نسبت به خبر حدسی نداشت.

مرحوم صدر در کتاب الطهاره روایات داله بر حجیت خبر در موضوعات را جمع آوری کرده است ایشان مجموعه ای از روایات را از سر تا سر فقه جمع آوری کرده است و در آن روایات نوعاً ایشان اشکال کرده اند. آیا از این روایات عموم و اطلاقی در می آید که شامل خبر حدسی هم بشود؟ در جلسه بعد این بحث را دنبال می کنیم.

والحمد لله رب العالمين